

هشتمین ماه فروردین ۱۲۷۷  
 قیمت بکفرا بکعباسی  
 سطرده شاهلی  
 متاعلان



سپستان تبد  
 نم لا اقل  
 و شنبه پنجم در ماه فروردین  
 چون اخبار و مدرس در دارالفنون و مجلس حافظه  
 درین روز نامه نوشته میشود

**اعلان**

عموم مطالعه کنندگان معلوم باشد که ابداع  
 ایجاد این روزنامه شریفه علیته مخصوص برای  
 نشر علوم جدید و قدیمه نافع بحال خاص و عام  
 الملک است و مطلقاً منظوری از طبع و  
 شایان نسبت مکرر فایده و منفعت عمومی  
 زتی در مدارج کمالات و توتیب و نیز باطلاعاً  
 اخاد و افراد اهالی این ملت با سعادت و تکبیل  
 مسائل طبیعت که موجب حفظ صحت و برآز مرض  
 و محفوظ ماندن نفوس محترمه از خطبهای  
 ضاره مغالجهین قبل الاطلاع و بکلی خارج است  
 از دایره و سمت رسمیت مطالب رسمیه و ملا  
 القاب اشخاص و رجال و ترتیبات شانه و تقدم  
 و تاخر و تقدم اذاب و رسوم ظاهری و چون ملا  
 این روزنامه برایتان بقوانین و مطالب علمی است  
 و مقدم جمیع علوم که در واقع جزء بزرگ علم دین

**روزنامه علم**

میشاید مکارم اخلاق است پس اگر در اخلاق  
 و رسوم و آداب و افعال بعضی اشخاص نیز  
 نقصان و اختلالی بیند هر این روزنامه  
 اظهار مینماید بدون اینکه صراحتاً اسم شخصی را  
 برده یا بکناهر که ابلاغ از تصرف است پرده آورده  
 در و بلکه طوری ادامینماید که فاعل فعل زمیم  
 و غیره هر برقیج عمل آگاه شوند دون العامل و از  
 صفات ذمیه اجتناب نمایند بنابر مراتب  
 مسطوره احدی راحق کله از روزنامه شریفه  
 علمی نیست

**اخبار مدرسین مبارک کرسی دارالفنون  
 و مرتضیان**

و متعلمین مدرسین مبارک دارالفنون و استظاف  
 از مراتب نظم و ترتیبات حاصله جدید از جنابان  
 شمس العماره تشریف فرمای مدرسین مبارک  
 گردیدند و در مسعودیه یونان از ادب و ادب  
 و عکاسخانه جدید بنا کرد در هذ السنه بموجب  
 حکم جهات مطاع در کمال امتیاز و آواستکی در جنب  
 سر و مدرسین واقع در جنابان شمس العماره  
 ساخته شده بود و اولاد و اخانه بهین قدم  
 مبارک گردید مدرسین کاظم معلم علوم طبیعی و  
 مضر و میرزا اسمعیل دواساز و چند نفر شاگرد  
 مخصوص دواسازی و حاجی محمد جعفر و  
 سفید عطارهای دارالخلافه حاضر بودند  
 جمیع ادویه فرنگی و جوهرات طبیعیه و عکاسی و  
 تجزیه و ادراکات و ادویه ابراز و ادراکات  
 بترتیب و نظمی بنکویچده بودند و ملحوظ نظر

**ترجمه تاریخ حسن ابن حسن اصفهانی مؤسس بیکار الامر**

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين  
 والعاقة للمتقين والصلوة على نبيه وجيبته محمد واله اجمعين  
 حسنة بن حسن اصفهانی گوید این کتابست که من درج نموده ام  
 در آن تواریخ سالهای سلطنت ملوک و سنوات زندگانی انبیا  
 اولو الامر علیهم السلام و منقسم بدو باب است (باب اول در سبک  
 سنوات تواریخ پادشاهان عجم) (باب دوم در سبک سنوات  
 تاریخ سلاطین روم) (باب سیم در سبک سنوات تواریخ سلاطین  
 ان) (باب چهارم در سبک سنوات ملوک قبط) (باب پنجم در سبک  
 سنوات حکمرانان بنی اسرائیل) (باب ششم در سبک تواریخ نیم ملوک  
 عرب عراق) (کتاب الف و لام تا ح) (باب هفتم در سبک تواریخ  
 غسان ملوک عرب شام) (باب هشتم در سبک تواریخ حمیر ملوک  
 عرب یمن) (باب نهم در سبک تواریخ ملوک کنده) (باب دهم در  
 سبک تواریخ قریش ملوک عرب اسلام) و قبل از نگارش ابواب ده  
 کانه مقدمه ابراد مینامیم که بدان مقدمه شناخته شود بعضی وقایع و  
 نکات تاریخی و سالهای تواریخ انفساد محفوظ ماند و در مقدمه ذکر  
 مسکن مساکن و اماکن استهای بزرگ را در روی زمین و محله امیر صغیر

مهر اثر شاهانه کردید موقع توصیف و تحسین  
 پادشاه میرزا احمد دوانساز و حاجی محمد جعفر  
 در پیش سفید عطار قادری ادویه معطره و شیر  
 آلات پیشکش حضور معدلت ظهور مبارک نمودند  
 و محض مفاخرت آنها مقبول افتاد  
 نواب والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم و معارف  
 مجامد آن که از جانب نواب اشرف والا نایب السلطنه  
 امیر کبیر دام اقباله العالی و مجلس حافظ القصر  
 تا کون در انتظام امور عطاران شهر بجل آمد  
 بود معروض داشته خاطر ملکوتی مظاهر خردانه  
 فرسند گردید و تا یکدات اکید در درو ام و  
 استحکام این انتظام فرمودند از آنجا بمرتبه فوقانی  
 که عکاسخانه است تشریف فرما شدند میرزا احمد  
 عکاس که از شاگردان قدیم مدرسه و در عکاسی  
 مهارت تام دارد در حضور مبارک بکصفی عکس  
 اجودان مخصوص و غلام محسن خان پیشخدمت  
 و جعفر قلخان رئیس مدرسه را برداشتند  
 در درو ام این صنعت بزرگ سفارشات  
 بلفظ گوهر نثار مبارک فرمودند و پس از

باز دید عکاسخانه از جناب دو واخانه قدیم داد  
 مدرسه گردیدند و در اطاق طبیعی که است  
 تجربه و درس چید بود قدری تامل و تماشا  
 فرموده بعد داخل اطاق درس شدند میرزا  
 ابوالقاسم معلم طب ایرانی و میرزا رضای دگر  
 معلم طب فرنگی و میرزا کاظم معلم حکمت طبیعی  
 و شاگردان طب همه حاضر بودند از مرآت تحصیل  
 متعلمین استفسار شد میرزا کاظم معلم طبیعی  
 عرض کرد که چون کتاب اول شبی را تمام کرده  
 بعضی اعمال نشان میدهند که در ذهن متعلمین  
 بماند از جمله جسمی ساخته اند موسوم به  
 (پد و ذرات) که خاصیت آن نیست که بمحض  
 صدمه جزئی آتش میگیرد و صدای عظیم مینماید  
 و اکنون از آن جسم قدری در پارچه کاغذی  
 ریخته در طاقچه گذارده اند حکم با جرای تجربت  
 آن جسم فرموده جزئی فشاری بآن دادند اجزاء  
 مذکوره آتش گرفت و صدای عظیم کرد بعد  
 از آن اطاق درس ریاضی بمقدم مبارک نترسیدند  
 شد و از درس متعلمین این اطاق سؤال فرمودند

بمخ الملك عرض کرد علم مثلثات کروی را که  
 مبنای علم توپوگرافی بر آنست درس گفتند  
 که جیب را میتوانست استخراج کرد نواب والا  
 اعتضاد السلطنه از سلیمانخان که یکی از  
 متعلمین است سؤال کردند که جیب بکدرجه را  
 میتوانست استخراج کنی سلیمانخان گفت بسیار  
 سهل میتوانست استخراج نمود و پنبای تخته رفت  
 که آن مسئله را حل نماید نواب والا اعتضاد  
 السلطنه گفتند این عجله تو در حل این مسئله  
 در حضور عطاقت ظهور مبارک نهایت منافی است  
 با اقوال متقدمین و الغ بیک در ذیج خودی  
 گوید من اول کسی هستم که با استخراج جیب درجه  
 واحد ملهم شدم و میر عبدالعلی بر جندی  
 در شرح ذیج میگوید اول کسی که جیب درجه  
 واحد را بتحقیق استخراج کرد عنایت الدین  
 جیبدکاشان بود بیک طریق و الغ بیک  
 بطریق دیگر و هر دو کتابی درین باب نوشته اند  
 و تو در آن واحد چگونه استخراج میکنی بضم  
 الملك گفت حساب قدما چنین است لیکن

بقیة متن جملة حمة بن حین اصغرهای

در میان امم کبیره تا اشکار شود اقتدار بعضی بر بعضی دیگر در  
 وقت زوال دولتی بسبب اقبال دولت دیگر که این حوادث سبب  
 فساد تواریخ شده است بعد ازین مقدمه ابواب ده گانه و امینیک  
 و پس از تکارش این ده باب میرزا زیم بشرح خاتمه که مشتمل فنونی  
 از اسباب تواریخ است و شایسته نیست که مشتمل شود باین  
 ذکر کردیم در ابواب مقدمه انشاء الله تعالی

مقدمه

بدانکه اقتدری که مسکون است از ربع ارض با وجود تفاوت اقطار

در میان هفت امت بزرگ منقسم مینماید و آنها (چین) (هند)  
 (سودان) (یورپ) (روم) (توک) (اربان) است و در میان  
 چهارتت از فرس و در میان مالک مسطوره واقع است و شش امت  
 دیگر بران احاطه کرده اند زیرا که جنوب شرقی از زمین مملکت چین است  
 و بتصرف چینی هاست و شمال شرقی را ترک متصرفی است و وسط  
 جنوب زمین هند و بدست هند مینماید و مقابل هند روم است  
 در وسط شمال ارض و سودان در جنوب مغرب این کره و مقابل آن در  
 شمال مغرب بربر است و این شش مملکت در معوره زمین در اطراف



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران  
بخش نشریات ادواری  
کد ۸۲ شماره ۴۴





شماره: ۴۵۱۵

۱۹۱۹

۲۲۲۴



پخش عکاسی کتابخانه ملی ایران

نام  
میکروفیلم شده و تاریخ

شماره میکروفیلم

۸۰۱۱۹



ما طریق در دست داریم که استخراج آن با نذر  
 زمانه ممکن است و همین طور هم سلبها نماند از  
 عهد استخراج آن بر آید و مورد تحسین شد  
 بعد با طاق طب تشریف فرما شد ند که بهر زاعلی  
 خان قاجار بشاگردان خارج و داخل شهر در سر  
 طب مبدهد از معلم و متعلمین تعریف فرمودند  
 و بنواب شاهزاده وزیر علوم در باب در سهای  
 مجاز و در واج علوم در مبنای عامه ناس تا کبد  
 فرمودند بعد از آن وارد اطاق معدن شده  
 در باب نمونه های اجار معدن بمسئود و بنده  
 معلم معدن فرمایشات فرمودند که نمونه ها که  
 از جمیع ولایات خواهند آورد هر چه خوب باشد  
 در آن کار کنند پس از آن آجرهای کاشی کتبه  
 که بجهت آکسوزیپون پارس در دارالخلافه  
 طهران ساخته بودند و در آنجا حاضر بود ملحوظ  
 نظر انور اقدس گردید بمشهد اسمعیل کاشانی  
 که خوب از عهد بر آمد بود اظهار مرحت شد  
 بعد اطاق موزیک بود و در مسعود مقدس  
 مرتب شد و تفریح علم و عمل مسؤل و متعلمین  
 پیرو با و را فرمودند چون خوب از عهد بر آمد

با نعام شاهانه نایل گردیدند  
 جناب محضر الدوله با اتفاق ماژور اسمت وزیر  
 تلکرافچیان انگلیسی درین هنگام بحضور  
 مبارک مشرف شده نقشه ممالک محروسه  
 ایران را که دو مدت ده سال تلکرافچیان  
 انگلیسی بر داشته و در لندن چاپ کرده اند  
 از نظر مبارک گذرا بنده مستحسن افتاد بعد  
 از آن با طاق ددس زبان انگلیسی تشریف بردند  
 و بتوسط ماژور اسمت با متعلمین گفتگو فرمودند  
 شاگردها بخوبی از عهد بر آمدند لهذا از حسن  
 مواظبت مستر طبلر معلم انگلیس و سعی شاگرد  
 اظهار رضامندی فرموده معلم و متعلمین هم  
 مورد تحسین شدند بعد با طاق ددس زبان  
 فرانسه که بمعلمی مسؤل و بشارخان را بر است  
 توجه فرمودند و حکم شد صنایع الدوله با متعلمین  
 گفتگو نماید شاگردان مزبور خوب از عهد بر آمدند  
 بمسؤل و بشارخان و متعلمین اظهار مرحت شد  
 بعد از آن بمسؤل و معلم پیاده نظام در باب  
 مشق شاگردان تا کبدات بلیغه فرمودند از  
 آنجا مسؤل و روسکی که نیز زبان فرانسه در سر

مکوبد تشریف بردند در آنجا نیز صنایع الدوله  
 امر شد با شاگردان مکالمه نماید هر چه از شاگرد  
 سوال شد بخوبی از عهد جواب بر آمدند  
 مسؤل و روسکی و متعلمین مورد مرحت کشته  
 بعد با طاق ددس عربی و فارسی که ملا اسماعیل  
 معلم است توجه فرموده سر کشته از شاگردان  
 انکاه با طاق نقاشی که در آن تعلیم زبان فرانسه  
 نیز مینمایند تشریف فرما شدند از تصاویر  
 شاگردان نقاشی که بدو آرا و بخته بودند تعریف  
 فرمودند و مراتب تحصیل این شاگردان نیز  
 خاک پای مبارک گردید و بمعلم و متعلمین اظهار  
 مرحت شد و چون شاگردهای خارج و داخل  
 مدرسه نسبت بسابق خیلی زیاد شده اند و  
 مدرسه کجایش آنها را ندارد مقرر شد خانه  
 طرف شمال مدرسه را بقیمت عماد لانه ابقیاع  
 نمایند و مدرسه را وسعت دهند بکساعت  
 بفریب نمایند بمقر سلطنت عظمی مغاورت  
 فرمودند  
 چون کلی و جزئی امور مدرسه زاید اوصاف  
 منظم و در نظر آفتاب اثر ملوکانه زیاد جلوه نمود

بقیة ترجمہ حکمہ از حسن اصفہانی

فرس واقع و مملکت فرس در میان آنهاست و برای تفسیق سنوا  
 سلطنت سلاطین این هفت امت تواریخ هست و میان عمر  
 دنیا و ابتدای تناسل و وجود یافتن حیوان و ذی روح تفاوت بسیار  
 و هر امتی حکایتی روایت کرده اند که امت دیگر از باطل دانسته  
 و مثل خواهی پریشان که تعبیری ندارد انکاشته اند و من از اقوال  
 طوایف مجلی نقل میکنم که موجب بنیازی از تفصیل کرد و بعد  
 ذکر میکنم ابواب مخصوص از برای تاریخ را در صورتی که نقل از  
 روایت آنها مینمایم انشاء الله تعالی

بدانکه مردم عالم در اوایل دوره عالمی نباهت ها شدند بجهت  
 زیادتی مواظبت در کبدن هلال و سنوات را از اختلاف فصول  
 اربعه که حاصل میشد بسبب انتقال شمس در چهار قسمت نلک  
 و در زدن آفتاب بر ایشان بکرات شناختند بعد از آن بجهت  
 امتداد زمان و طول ایام و اشکال امر در حفظ آن تاریخ بزرگ  
 سنوات قرار دادند و جمیع طوایف روی زمین ساطهای  
 خود را اخذ از سپهر نبرین یعنی ماه و آفتاب نمودند آنها که از  
 سپهر شمس اخذ کرده اند پنج طایفه و آنها که از

از خدمات نواب والا اعتضاد السلطنة و وزیر علوم و معادن زاید اما کان خاطر مبارک قرین رضایت و فرسندی کردید محض بر و ذکال مرحمت در باره نواب معظم الهه بکثوب فرقت بطانته خزان ملا بس خاصه سلطنتی بر رسم خلعت ایشان مرحمت فرمودند

**بخیار مجلد حافظ الصخر**  
در روزنامه ایران در غمره سبصد ستم شرحی از مهبل و اراده هما یون و اهتمامات نواب اشرف والا نایب السلطنة امیر کبیر اوم اقباله العالی در حفظ نفوس محترمه عاتقه مردم از باب امتحان اطباء و جراخان و غیره نوشته شده بود درین روزنامه نیز اشعاری از قرار داد مجلس حافظ الصخر که بر نایب نوب والا اعتضاد السلطنة وزیر علوم منعقد است در باب ادویه ابراز و فرنی که میشود از اینک بس حافظ الصخر الطمان تام از علم و بصیرت اطلاع و درواشناسی تمام عطارهای دار کتلافه نداشت و احتمال هرفت بعضی عطارها وای به صرف و ضایع شده بفروشند که بجهت

مرضی اثر باشد با اینکه بعضی ستم ترا عوض دوائی دیگر بکار برده اسباب هلاکت مردم شوند او را بقصد الترام بتیام تجاری که داد دست داد و بهر وجوه مراتب فرنی که زامین نمودند غدن شد که بعد ها کل ادویه را که برای فروش از فرنیستان میاورند بمدسه دارالفنون نزد میرزا کاظم معلم کل علوم شیخ و فیزیک برده امتحان و تجربه نمایند و نشانه و علامت بی عیبی و صحت بان دوا بگذرانند بعد از آن تجاران دوا را خرده فروشی نکرده بلکه تمام آنرا بکجا بعمارهای دوا فروشی که برای اینکار معین شده اند باطلاع حاجی محمد جعفر که بموجب حکم نواب اشرف والا نایب السلطنة امیر کبیر اوم اقباله العالی و پیش سفید کل عطارهاست بفروشند آن عطارهای معین نیز در مقام ضرورت بمردم با اجازه طبای معرف معین بفروشند و بلکه ادویه که سمیت داشته باشد بدو خط و مریطیب خاذق معروف بکسی ندهند و برای استحکام این امر از میرزا کاظم معلم

شبهی و فیزیک با ضمانت بعضی قلیخان و بلیس مدد الترام گرفته شد که اگر خطی در تشخیص و تجربه دواها بکند مورد مواخذه باشد و فروختن ادویه مفرد و مرکب ابراز هم با شرایط حفظ و نگاهداری و عوض کردن آنها پس از انقضای مدت عمر هر یک که فاسد میشود با همان عطارها معین باشد و غیر از آنها احدی اجازه فروش نداشته باشد و برای فروش ادویه فرنی و ابراز کلیه بکصد و ده نفر از عطارهای محرب بمتمن با سواد و دانشناس معین کردید ده نفر از آنها در پیش سفید صد نفر از آنها نابین بوده مرده نفر تا بین سپرده بکنند و پیش سفید باشد و تمام آن بکصد و ده نفر سپرده بخاجی محمد جعفر و پیش کل باشد و دو سائر اقبالی تمام عطارها باشند که هر یک از آنها بطوری که معین کردید داد و ستد دولی ایرانی و فرنی که را بکنند و خطای در کار آنها پیدا نشود و برای مزید علم و اطلاع عطارها و دوا فروش طبای علم طب ابراز و فرنی که رساله مبسوطه از باب صلاح و نفاذ ادویه و مدد عمر هر یک نوشته اند که اسباب بصیرت نامه آنها شود

**بعضی شریک جبر تا پنج جمله ابن حسن اصفهانی**

بزیج امت اند اما آنها که از سپهر شمس گرفته اند بونا بنها و بنهر بنها بقط و روم و فرس مینباشند و هندها و اعزاب و بهود و نصفا و مسلمین از سپهر قمر اخذ کرده اند و قبل از ظهور شرایع دینیه جمیع این طوائف صنف واحد بودند موسوم بد و اسم شمنینین و کلدانیین سکنه مشرق زمین شمنینین بودند و بقیمه آنها الا در اطراف هند و چین هستند و اهل خراسان جماعت آنها را شمنین بکنند و اشمن مینامند و کلدانیین در طرف مغرب ساکن بودند در شهر حران و مدینه و هاهما مینباشند و در

زمان خلافت مامون بسببی که ذکر آن موجب تطویل است این اسم را ترک کرده موسوم بصنابین شدند و ذکر این ازین طوائف در تودیه شده است و اسم ایشان بسرنای کلدانی و بکنند ازین جماعت ذاکلدا یا میکوبند و این ده امت کلا سنو اتشان کمتر از سالهاست که تقبیل مینماید آنرا حرکت شمس که بسبب آن روز و شب معلوم و موجود میشود و همین نقصان ایشانرا میگویند کبیره مینماید برای آنکه بعد بل پیدا شود در فضول از بعضی تقبیل در غمره و آینه

# اعلان طبى مجامع حافظه الصحه

چون مطابق بعضی روزنامهجات حافظه الصحه ولایات و نواحی دارالخلافه معلوم شد که مرضی مردم بظهور رسیده که اغلب سختست و در صورت غفلت در معالجه تشخیص خطرناک و مهلک میشود لهذا محض استحضار و بصیرت مجلس مرکزی حافظه الصحه مصلحت چنان دید که محضر شرحی از آن مرقوم شود تا در تشخیص و علاج آن غفلت و خطائی بظهور نرسد

پوشیده نمائند که در این مرض ابتدا در یکی از مواضع مکتوفه بدن از قریب دپیت و صورت درون یا بیرون در نقطه خارش بهم رسد و پس از دو ساعت در آن نقطه تا اول کوچکی ظاهر شود و بعد از چند ساعت در آن تا اول تبرکد و در جای آن باندازه عدسی سیاه شود و در اطراف آن تا اولهای کوچک متعدده برود و آن نقطه را احاطه کنند و آن دانه پس از اندک زمانی ترکیده و سیاه شود و بهین طریق همیشه اطراف آن موضع سیاه شده را تا اولهای متعدده احاطه کرده اند که رطوبت زرد رنگی از آن با مترشح است

در این مرض ورم و تهیج در عضو سیاه شده عارض میگردد که از مرکز با طرف متمد شده و تا فاصله زیاد کشیده میشود مثلاً اگر در صورت مرض عارض شود ورم آن با گوش و پنی و گردن میرسد و صورت تقریباً بواسطه آما پس و برابر شد شکل مهبی بهم رسد

در این مرض ورم ساده نیست بلکه غائری ایائی است و جمعی عفونی مخصوصی بآن همراه است و نبض صغیر و سریع و ضعیف میشود و در صورت خطر نبض منلی و سپا قط کرده و هذیان و قی صفر اوی و بلغمی عارض شود و بدون علاج و قی و صیح شکست نجاتی حاصل شود و در صورتیکه مرض متوقف و با جودت باشد نبض تبیدرج قوی شود و عرق گرم عارض شود و تبسج اطراف عضو مکتوف غائری ایائی نقصان یافته کلی رنگ گردد و ریم تولید یافته قطعه سیاه غائری ایائی که بقدر نیم قران تا یک کف دست است ساو می شود و جمیع این قطعه سیاه کاهی از جلد تجاوز نکند و کاهی عمیق تر شده عضلات را فرا گیرد